

معرفی کتاب

«دائرة المعارف فقه مقارن»

○ سیدفرید حاجی سیدجوادی

○ سیدعلی آیت

دائرة المعارف فقه مقارن، زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، قم،

مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۷۱۲ صفحه،

رحلی، فارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با نگاهی گذرا بر ادوار فقه شیعه، آثار بسیار گران سنگی را خواهیم یافت که در مقام مقایسه فقه امامیه و فقه عامه بر آمده است؛ آثاری که از دیر زمان تاکنون، برکات فراوانی را برای فقهای هر دو مذهب در پی داشته است. این شیوه که «فقه مقارن» نامیده می شود، در تاریخ فقه اسلامی به ویژه در فقه امامیه، سابقه ای به قدمت مذاهب اسلامی دارد. نمونه هایی از این روش را می توان در سیره اهل بیت (ع) دید؛ مانند مناظره امام جعفر صادق (ع) با ابوحنیفه، مؤسس مذهب حنفی، در مجلس منصور دوانیقی که حضرت در پاسخ به سؤالات فقهی ابوحنیفه، نظر او و

دیدگاه اهل مدینه و نظر مبارک خویش را بیان فرمودند.^۱ پس از زمان حضور ائمه (ع) نیز این روش ادامه یافت و فقهای بزرگی همچون شیخ طوسی در کتاب «خلاف»، محقق حلی در کتاب «معتبر»، علامه حلی در «تذکره الفقهاء» و دیگر بزرگان در موضوع فقه مقارن قلم زدند.

در کتب فقهی اهل سنت نیز نمونه هایی همچون «موسوعه عبدالناصر» به چشم می خورد که در آن به آراء فقهی همه مذاهب اسلامی اشاره شده است.

دایرة المعارف فقه مقارن زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی در بر دارنده آرای فقهای همه مذاهب اسلامی است. این کتاب به ترتیب موضوعی - نه الفبایی - تنظیم شده و از مباحث اقتصادی به دلیل آنکه به زعم پدید آورندگان از اهمیت بیشتری در شرایط فعلی برخوردار است، شروع می شود. طرح قواعد اصولی و فقهی و رجالی به تناسب مسائل مختلف، ذکر فروع مورد ابتلا و حذف فروع نادر، از دیگر ویژگی های این اثر محسوب می شود.

در این مجال جلد اول این اثر که مقدمه مباحث و مجلدات بعدی به شمار می آید و در بیست فصل تنظیم شده، معرفی می شود. در هر فصل، ابتدا نگاهی گذرا به مباحث آن می کنیم و سپس چکیده یکی از مباحث را می آوریم.

فصل اول: فقه در لغت و اصطلاح

در اولین فصل، به تعریف لغوی و اصطلاحی فقه پرداخته و پس از تعریف لغوی فقه به «موشکافی و ریز بینی و فهم دقیق» تعاریف اصطلاحی آن به این ترتیب بیان شده است:

۱. فقه در فرهنگ قرآن؛

۲. فقه در عصر صحابه، تابعان و در روایات معصومان؛

۱. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳.

۳. فقه در اصطلاح فقها و اصولیان؛

در خاتمه این فصل به وازگان و برخی مباحث مرتبط با تعریف فقه پرداخته است، از جمله:

اجتهاد در مقابل نص؛
وظیفه فقیه در تشخیص موضوعات.

فقه در عصر صحابه، تابعین و در روایات معصومان

از تأمل در روایاتی که واژه فقه در آنها آمده است، این نتیجه به دست می آید که پیامبر و ائمه معصوم (علیهم السلام) با اقتباس از آیات و تحت تأثیر استعمالات قرآنی، این واژه را به کار گرفته اند و فقیه را کسی می دانند که به مجموعه مسائل و مفاهیم دینی اعم از اعتقادات، اخلاق و احکام، بصیرت لازم را داشته باشد.^۲ از بعضی نقل ها به دست می آید که این وضعیت تا عصر امام صادق (ع) و شافعی و ابوحنیفه ادامه داشت؛ در نگاه ابوحنیفه، فقه به «مطلق شناخت نفس و آنچه به نفع و ضرر آن است»^۳، تعریف شده است.

در این زمان علوم اسلامی بر اثر گسترش و تکامل، از هم جدا می شود و امام صادق (ع) در موضوعات گوناگون شاگردان خاص تربیت می کند. پس از آن، در اثر کثرت استعمال، فقه معنای دیگر می یابد؛ به گونه ای که شافعی در تعریف فقه می گوید: «فقه، علم به احکام شرعی عملی است که از طریق ادله تفصیلی به دست می آید».^۴

۲. کافی، ج ۱، ص ۷۰.

۳. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۲۹.

۴. شرح جمع الجامع للمحلی، ج ۱، ص ۳۲.

فصل دوم: اهمیت فقه اسلامی در لسان آیات و روایات

در فصل دوم کتاب به هفت خصوصیت و ویژگی فقه که در آیات و روایات بدان اشاره شده و در واقع نشان دهنده حساسیت و اهمیت فقه در آئینه آیات و روایات است پرداخته می شود. این خصوصیات از این قرارند:

۱. فقه، شیوه نامه عبودیت؛
۲. فقه روشنگر حدود و مرزهای الهی؛
۳. اهمیت فقه در عرصه روایات؛
۴. لازمه اخلاق در فقه، اخلاق در دورکن دیگر دین است؛
۵. تأثیر اعتقادات و اخلاق در مسائل فقهی؛
۶. تأثیر اعتقاد و اخلاق در استنباط؛
۷. تأثیر فقاقت و اجتهاد در دیگر علوم اسلامی.

تأثیر اعتقاد و اخلاق در استنباط

نکته مهم در استنباط، تأثیر پذیری فقه از عقاید و اخلاق است، بدین معنا که اگر فقیه دارای ایمان قوی و مقام عدالت اخلاقی باشد، اولاً به هنگام استنباط احکام، نهایت دقت را به خرج می دهد تا نزد خداوند مسئول نباشد و ثانیاً حبّ و بغض ها و منافع شخصی و گروهی، هرگز مانع او در جهت استنباط احکام نمی شود.

علامه طباطبایی در ذیل آیه «ولاتمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلك فقد ظلم نفسه»^۵ می گوید: از این گونه آیات استفاده می شود که ایجاد تفرقه بین احکام فقهی و اصول اخلاقی و اکتفا کردن به احکام فقهی صرف و جمود بر ظواهر، جایز نیست؛ چرا که چنین چیزی ابطال مصالح تشریح و از بین بردن غرض دین و نابودی

۵. بقره، آیه ۲۳۱.

سعادت حیات انسانی را در پی خواهد داشت. ۶

یعقوب بن ابراهیم انصاری از فقهای اهل سنت در قرن دوم و از شاگردان ابوحنیفه است. او هر سال همه اموالش را به همسرش می بخشید تا از پرداخت زکات فرار کند. ابوحنیفه پس از اطلاع از این خبر او را می ستاید و می گوید: «ذلک من فقهاء». غزالی با نقل داستان این استاد و شاگرد می گوید: «چنین فقهی فقط به درد دنیا می خورد، و لکن ضرر آن در آخرت از هر جنایتی عظیم تر است و چنین علمی است که علم مضر به شمار می آید». ۷

فصل سوم: گستردگی قلمرو فقه

دایره قلمرو فقه به گستردگی تمام ابعاد و مراحل زندگی بشر است و اگر فقها به جای باریک بینی و موشکافی های معهود در باره مسائل و موضوعات شناخته شده، به بحث درباره مسائل و موضوعاتی بپردازند که در ابعاد جدید زندگی امروزی به وجود آمده است، معلوم می شود که گستره فقه همه عرصه های زندگی بشر را در بر می گیرد. گستره قلمرو فقه در چهار محور ذیل بررسی شده است:

۱. قلمرو فقه تابع قلمرو شریعت؛
۲. قوانین امضایی؛
۳. مقتضای اصل اولی در روایات معصومان شمول و جاودانگی است؛
۴. افراط و تفریط در تعیین قلمرو فقه؛

قلمرو فقه، تابع قلمرو شریعت:

اگر شریعت دینی در همه عرصه ها به مرزبندی و قانون گذاری پرداخته است،

۶. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۳۴.

۷. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۵۷، کتاب العلم.

پس فقه که علم شناخت شریعت است نیز می تواند در تمام عرصه های زندگی قدم بگذارد و رساله عملی فقها می تواند رساله زندگی در تمام ابعاد باشد. برای تعیین قلمرو شریعت و به تبع آن قلمرو فقه پاسخ به سؤالات ذیل ضروری می نماید:

الف) مقصود از شریعت چیست؟ ب) هدف دین چیست؟ ج) انسان در چه حوزه هایی از زندگی نیاز به هدایت دین دارد؟

فصل چهارم: برتری های فقه اسلامی

این بخش از کتاب برتری های فقه اسلامی بر دیگر قوانین بشری را در ضمن هشت مطلب بیان می دارد:

۱. فقه انعکاسی از برتری خالق عقل بر عقل؛
 ۲. هماهنگی فقه اسلامی با فطرت؛
 ۳. فراگیر بودن فقه نسبت به همه نیازها؛
 ۴. شمول فقه نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع؛
 ۵. آمیختگی فقه و اخلاق؛
 ۶. تاکید بر ضمانت اجرا؛
 ۷. کاربردی بودن قوانین اسلام؛
 ۸. سهل و ممتنع بودن.
- در پایان، «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان» به عنوان یک نمونه از قوانینی که بر مبنای خرد جمعی بین المللی یعنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده، مطرح و سپس بررسی و نقد می شود.

شمول فقه نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع:

اسلام و فقه اسلامی نه از پیوند فقه و اخلاق غفلت ورزیده و نه از پیوند بین

فرد و جامعه، چون برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و برخوردار از فرد فرد انسان‌ها از سلامت روحی و سعادت واقعی، نیاز به وضع سلسله قوانین و مقررات در قالب واجب، حرام، مستحب و مکروه است که فقه اسلامی به خوبی جواب‌گوی آن است.

احکام اسلامی در حوزه فرد، مانند ابواب و مسائلی چون: نماز، روزه، اعتکاف، مسائل مربوط به نظافت ظاهری و سلامت جسمانی (طهارت و نجاست اطعمه و اشربه و ...) .

احکام اسلامی در حوزه اجتماع، مانند مسائل مربوط به روابط اجتماعی انسان و وظایف و حقوق او در برابر دیگران تحت عناوینی چون: معاملات، احوال شخصیه (نکاح، طلاق و مانند آن)، مجازات‌های جزایی و کیفری (حدود، قصاص و دیات)، قضاوت و

فصل پنجم: ادوار فقه اسلامی

در ابتدای این فصل به عصر تشریح اشاره می‌شود که این دوره شامل دوره ابلاغ کامل قرآن، گردآوری و تدوین آن و تعلیم سنت از سوی پیامبر اکرم (ص) است. سپس با اشاره به اینکه، همه مذاهب اسلامی این دوره را نخستین دوره دانسته‌اند، به تفصیل در دو بخش اصلی به بررسی و تبیین دوره‌های نه‌گانه فقه اهل بیت (ع) و دوره‌های شش‌گانه فقه اهل سنت پرداخته شده است.

ادوار فقهای اهل بیت (ع):

مقدمه: ویژگی‌های فقه اهل بیت (ع)

الف) عمل به فقه اهل بیت (ع) مجزی است

ب) غنای فقه اهل بیت (ع)

ج) انفتاح باب اجتهاد و رشد و بالندگی

د) حریت و آزادگی

دوره اول: عصر حضور امامان اهل بیت (ع)

الف) تدوین کتاب

ب) مهم ترین فقهای اهل بیت (ع) در این دوره.

دوره دوم: عصر شکل بندی و تبویب فقه

الف) مدرسه قم و ری

ب) مدرسه عمانی و اسکافی

دوره سوم: عصر تحول در عرصه فقاہت و اجتهاد

دوره چهارم: عصر رکود و تقلید

دوره پنجم: عصر تجدید حیات فقهی اهل بیت (ع)

دوره ششم: عصر پیدایش حرکت اخباریگری

الف) علت پیدایش تفکر اخباریگری

ب) برخی از فقهای اخباری

ج) ویژگی های مثبت و منفی حرکت اخباریگری

دوره هفتم: عصر تجدید حیات اجتهاد در عرصه فقاہت

دوره هشتم: عصر نو آوری های فقهی:

ویژگی های دوره هشتم:

۱. تنظیم ویژه مباحث اصولی

۲. نو آوری های فقهی

۳. اهتمام گسترده به عبادات و عقود

۴. پیدایش «تقریرات» در فقه و اصول

دوره نهم: عصر ورود فقه به عرصه های گوناگون اجتماعی

دوره های شش گانه فقه اهل سنت

دوره اول : عصر صحابه و تابعین

دوره دوم : عصر ظهور مذاهب فقهی

دوره سوم : عصر توقف حرکت اجتهادی

دوره چهارم : عصر رکود فقهی

دوره پنجم : عصر بازگشت تلاش فقهی

دوره ششم : عصر بیداری و احیای مجدد باب اجتهاد

عصر ظهور مذاهب فقهی اهل سنت

با نگاهی به تاریخ و ادوار فقهی فقهای اهل سنت، در خواهیم یافت که از اوایل قرن دوم تا اوایل قرن چهارم، نسلی از فقها به وجود آمدند که به تدوین فقه و گسترش فروع فقهی، در این مذاهب پرداختند. در این دوره مذاهب فقهی، چنان فراوان شد که تعدادشان به بیش از صد مذهب رسیدیم^۸

مذاهب این دوره را از یک بعد می توان به دو بخش منقرض شده و منقرض

نشده تقسیم کرد:

الف) مذاهب منقرض شده فقهی:

مقصود از این مذاهب، مذهبی است که دوام چندانی نیافتند و پس از مدتی از

بین رفتند.

رؤسای مذاهب عمده آن از قرار ذیل است:

۱. حسن بن ابی الحسن یسار معروف به حسن بصری (م ۱۱۰)؛

۲. محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی (م ۱۴۸)؛

۳. عبدالرحمن اوزاعی (م ۱۵۷)؛

۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۰۵.

۴. سفیان بن سعید ثوری (م ۱۶۱)؛

۵. داوود بن علی بن خلف ظاهری (م ۲۷۰)؛

۶. محمد بن جریر طبری (مورخ معروف) (م ۳۱۰).

ب) مذاهب منقرض نشده:

مقصود از آن، مذاهب فقهی ای است که در میان گروه زیادی از مسلمانان باقی مانده و تا به امروز مورد عمل قرار می‌گیرد. این مذاهب عبارت‌اند از: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی.

فصل ششم: منابع استنباط از دیدگاه فقهای اسلام

کلیات مبحث منابع استنباط احکام از دیدگاه فقهای مکتب اهل بیت و فقهای اهل سنت مباحث فصل ششم کتاب را تشکیل می‌دهند.

مقدمه این فصل شامل مباحث نظام تشریح احکام، تفاوت فقها در نحوه استنباط و حجیت و عدم حجیت ادله است و سپس در دو بخش، منابع اتفافی و غیر اتفافی فقهای اسلام معرفی شده است:

۱. منابع اصلی و مورد اتفاق استنباط، در فریقین

الف) قرآن، ب) سنت، ج) اجماع، د) دلیل عقل، ه) قواعد فقهیه، و) اصول عملیه.

۲. منابع مورد اختلاف استنباط در فریقین

الف) قیاس، ب) استحسان، ج) مصالح مرسله، د) سد و فتح ذرایع.

مصالح مرسله:

مصالح و مضارّی را که خطاب خاص یا عام ندارد، ولی از مذاق شرع به دست می‌آید، مصالح مرسله گویند؛ مانند اینکه کفار هنگام جنگ عده‌ای از اسرای

مسلمان را سپر خود قرار دهند و در پناه آنان قصد صدمه زدن به مسلمین را داشته باشند. در اینجا مصالح مرسله اقتضا می کند که کشتن اسرای مسلمان جایز باشد؛ چون از مذاق شرع به دست می آید که این کار نزدیک تر به مصالح مسلمین است^۹ مالک مطلقاً آن را حجت می داند، ولی جمهور اهل سنت منکر حجیت آن هستند و عده ای تفصیل داده و گفته اند فقط مصالح ضروری قطعی و بدیهی معتبر است.^{۱۰} در رد نظر قائلان مصالح مرسله، گفته شده: مسلماً مصالح قطعی یعنی ادله و نصوص معتبر یا مستقلات عقلی قطعی، حجت است، ولی اگر مصلحت به گونه ای باشد که دلیلی بر اعتبار یا الغای آن موجود نیست و صرفاً ظن به حکم شرعی است، بدون دلیل قطعی بر اعتبار این ظن، حجت نخواهد بود؛^{۱۱} به این دلیل که «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً»^{۱۲}.

فصل هفتم: عدم خلأ قانونی

در این فصل، با طرح این سؤال اصلی که با وجود تحولات زندگی انسان و نیازهای او در اعصار مختلف، چگونه قوانین ثابت و محدود شرعی می تواند پاسخ گوی این نیازها باشد، به پاسخ مفصل آن در ضمن این مباحث پرداخته می شود:

۱. تعریف حکم شرعی و اقسام آن

الف) حکم اولی، ب) حکم ثانوی، ج) حکم حکومتی.

۲. قوانین ثابت و متغیر و تاثیر زمان و مکان

۳. انفتاح باب اجتهاد

۹. المستصفی، ج ۱، ص ۴۲۴.

۱۰. اصول الفقه الاسلامی، ص ۲۸۹.

۱۱. انوار الاصول، ج ۲، ص ۵۳۸.

۱۲. سوره نجم، آیه ۲۸.

۴. آیا خلاء قانونی وجود دارد؟

۵. آیا منطقة الفراغ واقعیت دارد؟

آیا منطقة الفراغ واقعیت دارد؟

تقریر استدلال

بعضی از علمای معاصر با بیان اینکه قوانین اسلام در مورد فعالیت های اقتصادی، در تمام ادوار و اعصار جاودانه و ثابت است، می گویند: تأمین این شمول مستلزم عنصر حقوقی شناور و متحرکی است که در بستر دوره های تاریخی مختلف پاسخ گوی مقتضیات متغیر باشد.

البته باید دانست که در حیات اقتصادی بشر دو نوع رابطه وجود دارد:

الف) رابطه انسان با طبیعت، ب) رابطه انسان با انسان، و آنچه تغییر و تطوّر پذیر است، رابطه انسان با طبیعت است، نه رابطه انسان با انسان.

عنصر شناور و متحرکی که در رابطه اقتصادی انسان و طبیعت است، «منطقة الفراغ» یا به ترجمه دقیق «منطقه ای که قوانین آن از الزام خالی است»، نام دارد که به ولایت ولیّ امر مسلمین ضمیمه می شود. منطقة الفراغ شامل افعالی است که حکم شرعی اوکیه آن استحباب، کراهت یا اباحه است. در این گونه موارد فقیه یا حاکم اسلامی می تواند بر اساس مصالح و اهداف اسلام به وجوب یا حرمت یا مباح بالمعنی الاعم حکم کند.^{۱۳}

فصل هشتم: انفتاح باب اجتهاد

آیا باب استنباط احکام شرعی از منابع اوکیه اسلام باز است یا بسته؟ آیا کسی

نمی تواند یا نباید دست به استنباط و استخراج حکم شرعی بزند؟

۱۳. اقتصادنا، ص ۶۸۹.

این بخش از اثر در پی آن است که دیدگاه مکتب اهل بیت (ع) و نظر اهل سنت و دلایل هر کدام را در باره انفتاح یا انسداد باب اجتهاد، در قالب این بحث ها بیان کند:

۱. انسداد باب اجتهاد و ادله آن:

الف) تاریخچه انسداد

ب) انگیزه و علل انسداد

یک) علل سیاسی و اجتماعی

دو) علل مذهبی و شرعی حکم به انسداد

ج) محدوده انسداد

۲. پیامدهای منفی انسداد باب اجتهاد:

الف) بی پاسخ ماندن مسائل مستحدثه؛

ب) بی پاسخ ماندن مسائل مورد نیاز در زمان ائمه اربعه؛

ج) ناسازگاری با جهانی و جاودانی بودن اسلام؛

د) تضاد گفتار و عمل.

۳. معتقدان به انفتاح باب اجتهاد و ادله آنها:

ادله آنان عبارت است از: الف) آیات، ب) سیره ائمه و دانشمندان.

(بررسی نظریات در باره انفتاح باب اجتهاد از عصر پیامبر و صحابه تا

عصر حاضر، و ارائه روایات متفاوت در اثبات آن.)

۴. دیدگاه های جدید و انفتاح مطلق باب اجتهاد.

پیامدهای منفی انسداد باب اجتهاد:

پذیرش انسداد و قائل شدن به آن، مشکلاتی را به بار خواهد آورد و موجب

تلقی به نقصان اسلام خواهد شد؛ از جمله این مشکلات عبارتند از:

۱. بی پاسخ ماندن مسائل مستحدثه:

اگر قائل به انسداد باب اجتهاد باشیم و بپذیریم که در شرع مقدس هیچ حکمی نسبت به مسائل جدید، وجود ندارد، اولاً، این نظریه خلاف نص صریح قرآن و روایات است. ثانیاً، اگر چنین باشد، انسان خود ناچار به قانون گذاری در زندگی خویش خواهد بود که از دو حالت خارج نیست: یا این قوانین را خداوند امضا می کند که این همان تصویب باطل است و موجب تبعیت خداوند از خلق خواهد شد و یا مصوبات بشری مورد امضای خداوند نیست که معنای این سخن، عدم وجوب عمل به این قوانین خواهد بود.

۲. بی پاسخ ماندن مسائل مورد نیاز در زمان ائمه اربعه:

به یقین مسائل مورد نیاز مردم، در عصر ائمه اربعه، بسیار بیش از آن بود که در کتاب های آنان آمده است و امروز نیز با همان مسائل روبه رو هستیم و اگر به انسداد تن دهیم، این مسائل همچنان بدون پاسخ می ماند.

۳. ناسازگاری انسداد با جهانی و جاودانی بودن اسلام:

قبول اینکه اسلام خاتم ادیان است، اقتضا دارد که احکام آن جهانی و جاودان باشد. این سخن با پذیرش انسداد و اکتفا کردن به فتاوی گذشتگان به هیچ وجه همخوانی ندارد.

۴. تضاد گفتار و عمل قائلان به انسداد:

بسیاری از قائلان به انسداد هنگام عمل، انفتاحی هستند؛ یعنی می کوشند که وظیفه خود را پیدا کنند و برای بسیاری از امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... از قرآن و روایات دلیل اقامه کنند، ولی در مقام سخن قائل به انسداد هستند.

فصل نهم: نقش زمان و مکان در استنباط

دورنگری، جامعیت و انعطاف پذیری مطلوب که در اسلام وجود دارد،

ایجاب می کند تأثیر زمان و مکان در احکام لحاظ شود؛ زیرا بر اثر دورنگری است که شرایط هزاران سال بعد نیز در گستره احکام دیده خواهد شد. در بررسی نحوه تأثیر زمان و مکان در استنباط احکام شرعی، مباحث زیر مورد توجه قرار گرفته است:

۱. زمان و مکان و تأثیر آن در استنباط

این مبحث با عناوین ذیل پی جویی شده است:

الف) مراد از زمان و مکان و مقصود از تأثیر آنها

ب) تأثیر زمان و مکان از منظر بزرگان فقها

ج) قلمرو تأثیر زمان و مکان

د) گونه شناسی تأثیر زمان و مکان

هـ) نتایج تأثیر

۲. شبهات و سؤالات

الف) مخدوش شدن جاودانگی احکام اولیه اسلام

ب) مصلحت محوری و مصالح مرسله

ج) عرف محوری و عرفی شدن دین

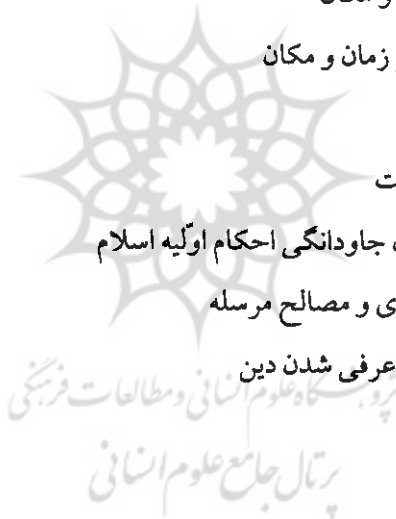
نتایج تأثیر:

نتایج قابل شدن به تأثیر زمان و مکان در ابعاد مختلف جامعه اسلامی، از این

قرار است:

۱. حل تعارض ظاهری موجود در سیره نظری و عملی ائمه (علیهم السلام):

یکی از روش های حل تعارض ظاهری میان روایات و دستیابی به جمع عرفی و دلالتی، این است که استعمال هر روایت جداگانه بررسی شود. با فرض صدور و جدی بودن استعمال در هر دو روایت، دانسته می شود که هریک از آن دو مربوط به



زمان و مکان یا شرایط ویژه ای هستند و لذا با هم تعارض ندارند.

۲. تسهیل در احکام حکومتی:

ملاك وضع حکم در احکام حکومتی، فقط مصلحت اسلام و مسلمین است و روشن است که با تحول در روابط مناسبات، تکنولوژی و ... مصالح مردم دستخوش تغییر می شود.

۳. تسهیل در معیشت:

با پذیرش تغییر احکام براساس تغییر موضوع، می توان نمونه های فراوانی را از این تأثیر در تسهیل امر معیشت مردم بیان کرد؛ مانند:

الف) پاسخ امام صادق (ع) به سفیان ثوری، مبنی بر اینکه ساده پوشی پیامبر به دلیل سختی ها و فشارهای اقتصادی آن زمان بود، اما اکنون که رفاه غالب است، لباس نیکو شایسته مؤمنان است، نه کافران.

ب) نقش زمان را در مسائل تربیتی از این روایت می توان فهمید: «لاتقسروا اولادکم علی آدابکم، فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»^{۱۴}.

۴. هماهنگ ساختن اسلام و نیازهای واقعی زمان:

منفعت در امور بانکی، خرید و فروش اعضای بدن، خرید و فروش خون، قانون کار، مقررات راهنمایی و رانندگی، محیط زیست، معادن، حقوق بین الملل، سفر هوایی، شرکت در انتخابات و بیعت به وسیله رأی دادن و ... از جمله مسائلی است که در صدر اسلام وجود نداشته و با مؤثر دانستن زمان و مکان در اجتهاد می توان حکم شرعی این مسائل را از نصوص استنباط کرد.

۵. رفع عسر و حرج:

فقیه با تشخیص موارد عسر و حرج که با اختلاف زمان و مکان مختلف می شود، مانع از به سختی افتادن مردم خواهد شد.

۱۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۷.

فصل دهم: علوم پیش نیاز اجتهاد

این فصل پنج موضوع را در بر دارد:

۱. اجتهاد از نظر لغت
۲. اجتهاد از نظر اصطلاح
۳. اقسام اجتهاد: الف) اجتهاد مطلق و متجزی، ب) اجتهاد عام و خاص.
۴. مقصود از اجتهاد در عنوان بحث
۵. لزوم فراگیری بعضی از علوم پیش نیاز اجتهاد

لزوم فراگیری بعضی از علوم فراگیر:

علوم مقدماتی اجتهاد از نظر مشهور دانشمندان اسلامی، چهارده علم است که همه آنها را می توان در زیر مجموعه سه عنوان گنجانید:

۱. ادبیات عرب، ۲. علوم عقلی، ۳. علوم نقلی.

۱. ادبیات عرب مجموعاً چهار قسم است:

الف) لغت عرب: چون مهم ترین منابع استنباط حکم شرعی یعنی کتاب و سنت به زبان عربی است، پس فقیه ناچار باید به معانی لغات، آگاه باشد تا بتواند مقصود و مراد کتاب و سنت را بفهمد.

ب) صرف: آن مقدار از علم صرف در اجتهاد مطلق به مفهوم عام آن، لازم است که شخص بتواند تغییرات مختلف اسما و افعال را که موجب تغییر معنا می شود، بر اساس قواعد تشخیص دهد و درک کند.

ج) نحو: شناخت حق و فهم صحیح از کلام عربی مبتنی بر شناخت دقیق قواعد نحوی است.

د) علم بلاغت (معانی، بیان، بدیع): بعضی از مباحث بلاغت تأثیر مستقیمی

در اصل اجتهاد دارد؛ مانند مباحث قصر، انشا و خبر، حقیقت و مجاز و

بررسی برخی از این مباحث در علم اصول، نیز منافاتی با اصل توقف ندارد.

۲. علوم عقلی:

الف) منطق: اولاً، چون استنباط و استخراج احکام شرعی از منابع و مآخذ آن نیاز به استدلال و اقامه برهان دارد، استدلال صحیح و آوردن برهان قاطع، جز از طریق آگاهی و دانستن قواعد منطقی و به کار گرفتن آن ممکن نیست.

ثانیاً، بخش هایی از منطق در سهولت استنباط، به مجتهد کمک می کند، با اینکه می تواند ضروری نباشد.

ب) فلسفه: در اینکه آیا اجتهاد متوقف بر فلسفه است یا خیر، نظریات مختلفی در نفی و اثبات آن وجود دارد، اما عده ای راه میانه را طی کرده اند، همچون علامه طباطبایی و امام خمینی و ... که بهره گیری مناسب و بجا از فلسفه را در اجتهاد مطرح کرده اند.

ج) علم کلام: حق مطلب این است که فراگیری علم کلام برای تحصیل اجتهاد امری لازم و ضروری است؛ چون زیر بنای بعضی از مسائل اصولی مانند قبح عقاب بلا بیان، تاثیر بیان عن وقت الحاجه، حجیت قول و فعل و تقریر معصوم و ...، علم کلام است.

۳. علوم نقلی: تفسیر، حدیث، درایه، رجال، اصول فقه، فقه و قواعد فقهی از علوم نقلی است که نقلی صرف یا عقلی نقلی است و اجتهاد متوقف بر آن است.

فصل یازدهم: سرچشمه اختلاف فتاوا

این فصل به ریشه یابی اختلاف فتاوا می پردازد و پس از بیان مقدمه به سیزده عامل اختلاف در مسائل مورد اختلاف اشاره می کند. در مقدمه به سه نکته توجه داده می شود: ۱. حکم الهی بیش از یکی نیست. ۲. فراوانی مشترکات فقهی. ۳. اختلاف فتوی بر اثر اختلاف مذاهب اسلامی.

عوامل اختلاف فتوا:

۱. اختلاف در پاره‌ای از منابع استنباط احکام

الف) ظواهر آیات، ب) حجیت احادیث ائمه اهل بیت (ع)، ج) رأی و عمل صحابه، د) استحسان، هـ) مصالح مرسله، و) سدّ و فتح ذرایع، ز) عرف، ح) آیین پیامبران قبلی.

۲. دسترسی یا عدم دسترسی به برخی احادیث

۳. اختلاف در معیار وثاقت راویان

۴. اختلاف در جهت صدور حدیث

الف) تردید در ثبات یا موقتی بودن حکم، ب) اختلاف در واقعی یا تقیه‌ای بودن حدیث.

۵. اختلاف در نسخ حکم

۶. اختلاف قرائت آیات یا نقل متون احادیث

۷. اختلاف در دلالت آیات و روایات و فهم و تفسیر آنها به واسطه:

الف) اشتراك لفظی یک کلمه، ب) ابهام لفظ و قابلیت تطبیق بر چند مصداق، ج) تردید در بین معنای لغوی و شرعی، د) مردد بودن لفظ بین معنای حقیقی و کنایی و مجازی.

۸. اختلاف در ترجیح ادله معارض

۹. اختلاف در موارد حجیت اصول عملیه

۱۰. اختلاف نظر در مورد محدوده قواعد فقهیه

الف) قاعده طهارت، ب) قاعده ید، ج) قاعده ضمان ید.

۱۱. اختلاف در دایره حجیت عقل

۱۲. اختلاف در اقسام اجماع

۱۳. تاثیر شرایط اجتماعی در فتوای مجتهد

اختلاف در اقسام اجماع:

یکی از علل اختلاف فتوا، اجماع است. اصل حجیت اجماع مورد اتفاق علمای اسلام است، اما در کیفیت حجیت آن اختلاف وجود دارد. اختلاف نظرها از آنجا ناشی می‌شود که تشکیل دهندگان اجماع چه کسانی هستند؟ آیا اجماع، اتفاق تمام امت اسلام است، یا اتفاق اهل حل و عقد، یا اتفاق مجتهدان پس از رحلت پیامبر (ص)، یا اتفاق مجتهدان یک عصر بعد از رحلت آن حضرت، یا اتفاق اهل مدینه، یا اجماع صحابه فقط و یا اجماعی دارای ارزش و اعتبار است که مشتمل بر نظر معصوم و مستند به آن باشد.

اختلاف در اقسام اجماع نیز از دیگر عوامل اختلاف در فتواست که در اینجا فقط به نام این اقسام اکتفا می‌کنیم: اجماع محصل، منقول، سکوتی (که امامیه از آن به عدم الخلاف تعبیر می‌کنند)، مرکب، دخولی، تشریفی، لطفی، تقریری، حدسی و کشفی.

بعضی از نمونه‌های ثمره اختلاف در دائره حجیت اجماع:

۱. بعضی از علمای اهل سنت مانند مالک، اجماع اهل مدینه را بدون هیچ قید و شرطی حجت می‌دانند، ولی جمع کثیری از فقها و اصولیان این دیدگاه را نپذیرفته‌اند و بر این اساس، در مسئله جواز یا عدم جواز قصاص مسلمان در برابر قتل ذمی، اختلاف کرده‌اند.^{۱۵} *آمال جامع علوم انسانی*
 - اما امامیه در این زمینه، با استناد به نصوص روایی خود از ائمه نظر داده است.
 ۲. بر صاحب کتاب حدائق الناضره ایراد گرفته شده؛ چون در باره حکم اذان و اقامه، قائل به استحباب اذان و وجوب احتیاطی اقامه است. این ایراد بر این مبناست که عده‌ای از علمای امامیه قائل به استحباب هر دو شده‌اند و عده‌ای قائل به وجوب هر دو و نظری همچون نظر صاحب حدائق خلاف اجماع مرکب
۱۵. مبسوط سرخسی، ج ۱۳، بخش ۲، ص ۱۱۷.

است^{۱۶}، لکن صاحب حدائق این ایراد را وارد نمی‌داند؛ چون اصلاً قائل به حجیت اجماع مرکب نیست. اما علامه حلی^{۱۷}، محقق سبزواری^{۱۸} و ...، حکم هر دو را یکی دانسته‌اند و مستند آنها اجماع مرکب است.

فصل دوازدهم: جایگاه فلسفه احکام در فقه اسلامی

بحث با این سؤال همیشگی بشر که «آیا افعال الهی در عالم تکوین و تشریح، دارای هدف و غرض است یا خیر؟» و در ضمن یک مقدمه و سه بخش دنبال می‌شود. مقدمه مشتمل بر مباحث ذیل است: ۱. تعریف فلسفه احکام، ۲. ارتباط فلسفه احکام با حسن و قبح ذاتی اشیاء، ۳. جایگاه بحث از فلسفه احکام، ۴. طرق کشف فلسفه احکام، ۵. مقصود از شناخت فلسفه احکام، ۶. فایده بحث از فلسفه احکام.

اما بخش‌های اصلی این فصل:

۱. اقوال در مسئله

الف) فلسفه احکام در نگاه فقهای اهل بیت (ع)، ب) فلسفه و تعلیل احکام از نظر دانشمندان اهل سنت.

۲. آیات و روایات مربوط به فلسفه احکام

الف) آیات و روایات مربوط به جهان تکوین، ب) آیات و روایات مربوط به هدفمند بودن احکام شرعی.

۳. تقسیمات فلسفه‌های احکام

الف) حکمت‌هایی که از آغاز بعثت روشن و ضروری بوده است،
ب) حکمت‌هایی که بر توده مردم روشن نبوده، ولی آیات قرآن و احادیث به آنها

۱۶. حدائق الناضره، ج ۷، ص ۳۵۷.

۱۷. مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۸.

۱۸. ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۲۵۱.

اشاراتی کرده‌اند.

ج) حکمت‌هایی که با پیشرفت علم و دانش بشری پرده از روی فلسفه و اسرار آنها برداشته شده است.

د) حکمت‌هایی که نه از آغاز روشن بوده و نه به مرور زمان روشن شده است.

فلسفه و تعلیل احکام از نظر دانشمندان اهل سنت

این مسئله مترتب بر قبول حسن و قبح ذاتی اشیا و مسئله عدل و اختیار است. کسانی مانند معتزله و قائلان به حجیت قیاس، فلسفه احکام را می‌پذیرند، ولی در مقابل آنها اشاعره و ظاهرپون و کسانی که قیاس را حجیت نمی‌دانند، منکر وجود فلسفه برای احکام هستند.

ادله منکران تعلیل:

الف) دلیل نقلی: مهم‌ترین دلیلی نقلی منکران، آیه «لایسئل عمّا یفعل و هم یسألون»^{۱۷} است، با این بیان که پرسش از اینکه فلان حکم به سبب فلان علت است یا نه، جایز نیست و چنین سؤالی مساوی با معصیت الهی و الحاد در دین است.^{۱۸}

ب) دلیل عقلی: اشاعره بر مدعای خود چند دلیل عقلی نیز آورده‌اند:

۱. لازمه قول به تعلیل این است که خداوند برای کمال خود نیازمند چیزی است، تا به وسیله آن، این نقص را جبران کند و این محال است.
۲. هر علت و هدفی خود نیازمند علتی است و این مستلزم تسلسل است.
۳. هدف جز لذت و منفعت و دفع درد و آلام نیست و خداوند از ابتدا، توانایی بر تحصیل آن را دارد. پس فایده و نیازی برای واسطه قرار گرفتن اسباب و علل نیست.^{۱۹}

۱۷. سوره انبیاء، آیه ۲۳.

۱۸. الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۸، ص ۵۶۵-۵۶۶.

۱۹. تعلیل الاحکام، ص ۱۰۰.

ادله قائلان به تعلیل:

در این بخش از کتاب به بیان ادله و نظر علماء متقدم و متاخر مدافع تعلیل از اهل سنت مانند قرطبی، ابن قیم، شاطبی، عبدالوهاب سبلی، غزالی، وهبه زحیلی، محد ابو زهره و محمد مصطفی شلبی پرداخته می شود که خلاصه استدلال آنها همان قاعده معروف «ادلّ الدلیل علی الشیء وقوعه» است، به این معنی که در قرآن و سنت نمونه های بسیار در بیان علت برای احکام وجود دارد.

به عنوان نمونه، ابن قیم در کتاب خود برای تأیید مسئله تعلیل دو عنوان ذکر می کند: ۱. القرآن یعلّل الاحکام، ۲. النبی (ص) یعلّل الاحکام، که در بخش اول آیات فراوان و در بخش دوم روایات بسیاری را که دلالت بر تعلیل، دارند، نقل می کند.^{۲۰}

فصل سیزدهم: بخشی از اصطلاحات مهم فقهی

آنچه در این فصل آمده شامل چهار مبحث است:

۱. اصطلاحاتی که با مقام تشریح احکام در ارتباط است؛ همچون: مراحل تشریح حکم، حکم تکلیفی و وضعی، اقسام حکم تکلیفی تقسیمات و اقسام وجوب، اصطلاحات و اقسام حرمت، اصطلاحات و اقسام استحباب، اصطلاحات و اقسام کراهت، اصطلاحات و اقسام اباحه، حکم واقعی و ظاهری.
۲. اصطلاحات مربوط به مناصب فقها؛ مانند الف (فتوا، حکم و قضا، ب) استفتا و افتا، ج) ولایت، حکومت، حسیه.
۳. اصطلاحات فقهی در بیان فتوا و احتیاط: الف) فتوا، مانند: لایبعد، لایخلو من قوة، علی الاقوی، الاحوط، الاقوی، الاقرب، ظاهراً، علی الظاهر، علی الاظهر، علی الاشبه؛ ب) احتیاط، مانند: احتیاط مستحب، احتیاط واجب، احتیاط مطلق.

۲۰. اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۱۹۰.

۴. اصطلاحات فقها در باره انجام تکالیف: الف) اطاعت و عصیان، انقیاد و تجری؛ ب) امثال و اجزاء؛ ج) صحت و فساد و بطلان؛ و) ادا، قضا و اعاده؛
توضیح اصطلاح فتوا، حکم و قضا

بر اساس تعریف دایرة المعارف، فتوا، «حکم کلی الهی است که به نظر فقیه از ادله معتبر استنباط شده باشد» و «حکم عبارت است از دستور اجرا یا تعیین مصادیق، یا موضوع، زمان یا مکان برای حکم شرعی و همچنین الزام به فعل یا ترک بر اساس عناوین ثانویه و مصلحتی خاص در ظرف زمانی یا مکانی خاص نظیر حکم به هلال ماه مبارک رمضان یا ذی الحجه از سوی حاکم»، و قضا عبارت است از «رفع خصومت و اختلاف و نزاع از میان طرفین دعوا بر اساس تعیین وظیفه شرعی».

فصل چهاردهم: ساختار و طبقه بندی فقه اسلامی

بحث ساختار فقه اسلامی در دو محور «ساختار فقهی امامیه» و «ساختار فقهی اهل سنت» بررسی می شود. ابتدا در ساختار فقهی امامیه به سراغ کهن ترین دسته بندی ها می رود و با بیان دسته بندی مرحوم کلینی در فروع کافی فقهایی را که به نحوی متأثر از ایشان هستند، به چهار گروه تقسیم می کند.

در ساختار فقهی اهل سنت با طرح این مطلب که بعضی از تقسیمات اهل سنت به نظر مشهور امامیه نزدیک است و بعضی کاملاً متفاوت است، به سراغ تقسیمات چند فقیه و محدث معروف اهل سنت می رود، که به عنوان نمونه چکیده تقسیم بندی بخاری را می آوریم:

الف) عبادات: از وضو تا حج و صوم «در هفت باب»، ب) معاملات: از بیع تا هبه «در نه باب»، ج) شهادت، وصایا، جهاد، نکاح، طلاق، خلع، لعان و نفقات، ه) اطعمه و اشربه و ذبائح و صید و اضاحی، و) آدابی در باره لباس، ادب، استیذان و دعا کردن، ز) ایمان، نذر و فرائض و موارث، ح) حدود، دیات و احکام مرتد.

در ادامه به ساختار موجود در کتاب صحیح مسلم که از جهاتی بی شباهت به صحیح بخاری نیست و کتاب مغنی از ابن قدامه و کتاب احیاء العلوم از غزالی شافعی و کتاب الفقه الاسلامی و ادلته از وهبه زحیلی که یکی از فقهای معاصر اهل سنت است، پرداخته می شود.

فصل پانزدهم: مسائل مستحدثه و اصول کلی حاکم بر آن

در این فصل، بحث در دو بخش مقدماتی و اصلی ارائه می شود. مباحث این فصل عبارت است از:

۱. تعریف مسائل مستحدثه،

۲. ضرورت بحث از مسائل مستحدثه،

۳) نمونه هایی از مسائل مستحدثه،

الف) مسائل مستحدثه پزشکی، ب) مسائل مستحدثه در عبادات، ج) مسائل مستحدثه در اقتصاد و معاملات، د) مسائل مستحدثه در موضوعات گوناگون مانند خسارات ناشی از حوادث، ذبح حیوانات با دستگاه و ...

۴. تبیین قواعد و اصول عامه مسائل مستحدثه: الف) تفاوت روش ها، ب) تاثیر زمان و مکان در اجتهاد، ج) ضوابط کلی استنباط مسائل مستحدثه، د) اطلاعات ادله لفظیه، ه) بحثی پیرامون عناوین ثانویه.

ضوابط کلی استنباط مسائل مستحدثه:

شکی نیست که غالب احکام شرعی که به صورت یک قضیه مطرح می شود، اعم از اینکه در قالب قضیه خبری باشد، مانند «المؤمنون عند شروطهم»^{۲۱} یا در قالب قضیه انشایی باشد مانند «اوفوا بالعقود»^{۲۲}، تمامی به صورت قضایای حقیقیه

۲۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۱۹، ص ۳۰.

۲۲. سوره مائده، آیه ۱.

است و مشکل مسائل مستحدثه با توجه به اینکه احکام شرعی به شکل قضایای حقیقیه است با تمسک به اطلاقات و عمومات حل می شود، البته تا زمانی که مقیدی وجود نداشته باشد.

در اینجا به نمونه هایی که از مسائل جدید و مشمول قاعده مذکور است، اشاره می کنیم:

۱. استفاده از عموم آیه «أوفوا بالعقود» برای عقود جدیدی مانند بیمه و انواع اقسام شرکت های جدید که در گذشته وجود نداشتند. اگر سرقفلی به عنوان عقد جدیدی فرض شود، نه یک شرط در ضمن عقد اجاره، آن نیز مشمول همین قانون است.

۲. خرید و فروش سهام شرکت ها و مؤسسات صنعتی و غیر صنعتی و تقسیم سود آن، مضاربه با پول های امروزی نظیر اسکناس، کارت های اعتباری، انواع چک و مانند آن از دیگر موضوعاتی است که برای حل آن از عمومات ادله استفاده می شود.

۳. قراردادهای تلفنی، خرید و فروش اینترنتی و معاملاتی از این دست نیز مسائل جدیدی است که با عمومات ادله، پاسخ آن روشن است. البته در مورد خیار مجلس در چنین معاملاتی، بحثی وجود دارد که برای توضیح بیشتر به منابع مفصل تر ارجاع شده است.

فصل شانزدهم: ادله تقلید در مکتب اهل بیت (ع) و اهل سنت

این فصل از کتاب، در صدد روشن ساختن حقیقت تقلید در دین، ادله تقلید در فریقین و تعیین محدوده تقلید، تحت عناوین ذیل است:

۱. تقلید در لغت و اصطلاح؛

۲. تقلید در لسان روایات؛

۳. ضرورت و ادله تقلید در فروع دین، که دلیل عقل، سیره عقلا، آیات قرآن، روایات، اجماع و سیره مسلمین از ادله موافقان است و مخالفان نیز آیات و روایاتی را برای ادعای خود آورده اند. در پایان این بحث به امکان و عدم امکان احتیاط پرداخته شده است؛

۴. تاریخچه تقلید؛

۵. تقلید در اصول دین؛

۶. تقلیدی نبودن مسئله تقلید؛

۷. تقلید در موضوعات؛

۸. تقلید اعلم؛

۹. تقلید میت.

تاریخچه تقلید:

۱. تقلید در صدر اسلام: بسیاری معتقدند پیشینه تقلید، به صدر اسلام باز می‌گردد؛ چون اصحاب پیامبر یک سان نبودند، بعضی مانند امام علی بن ابی طالب (ع)، سلمان فارسی، معاذ بن جبل و... با تسلطی که بر قرآن و سنت داشتند، می‌توانستند مصادیق را به خوبی تشخیص دهند و آن را برای مردم نیز بگویند تا دیگر مسلمانان که جایگاه و تسلط ایشان را نداشتند، استفاده کنند.

در زمان امامان اهل بیت (ع) نیز افرادی شماری بودند که مردم در شرایط عدم دسترسی به معصوم (ع) به آنها مراجعه می‌کردند؛ همچون ابان بن تغلب، یونس بن عبدالرحمن و زکریا بن آدم و... .

۲. تقلید از فقهای مذاهب اهل سنت: از اوایل قرن دوم تا اوایل قرن چهارم فقهای فراوانی ظهور کردند؛ به گونه‌ای که هر شهری فقیهی داشت و برای مردم فتوا می‌داد. پس از آن تصمیم گرفتند مذاهب را به چهار مذهب محدود کنند تا همگان مقلد آنها باشند که این شیوه تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است.

۳. تدوین رساله‌های عملیه: فقهای متقدم نیز رساله عملیه داشتند؛ مانند المسائل الجیلانیه، المسائل الرجیبه از شیخ طوسی و... بعدها شیخ بهایی جامع عباسی را نوشت و میرزای قمی جامع الشتات را، اما رساله عملیه کنونی به همت چند تن از فضلاء حوزه علمیه قم، در عصر فقیه نامور سید محمد حسین بروجردی و طبق فتوای ایشان جمع آوری شد که تاکنون فقها نظریات خویش را به آن رساله می‌افزایند و آن را منتشر می‌کنند.

فقهای اهل سنت نیز در مجموعه‌هایی تحت عنوان «مجموعه فتاوا» و... مسائل مورد نیاز مقلدان را پاسخ می‌گویند.

فصل هفدهم: رابطه فقه و حکومت

در فصل هفدهم این اثر، پس از تبیین مفاهیم فقه و حکومت و بیان ضرورت حکومت و دلیل نیاز به آن، مطالب در پنج مبحث ارائه شده است:

۱. حکومت در ادیان الهی؛
۲. ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، که مشتمل است بر دلیل عقل، جامعیت تعالیم اسلامی، اهتمام پیامبر (ص) به تشکیل حکومت، حکومت اسلامی بعد از پیامبر، سیره خلفای نخستین، سیره اهل بیت (ع). در پایان این بحث، به حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عج) در خلال کتب اهل سنت نیز پرداخته می‌شود؛
۳. آمیختگی کامل فقه اسلامی با حکومت؛
۴. امتیازات حکومت دینی؛
۵. پاسخ به شبهات: سکولاریزم، تفکر انفعالی روشن فکران دینی.

آمیختگی فقه اسلامی با حکومت:

آنچه در این قسمت آمده، برای روشن ساختن درهم تنیده بودن فقه اسلامی

و حکومت است. ابتدا به ساختار فقه اشاره شده و تقسیم مسائل فقهی به عبادات و معاملات و سیاسات، یا تقسیم‌های مشابه که از قدیم در میان فقها معمول بوده، گواه بر این معنا دانسته شده است. سپس نقش پررنگ حکومت در تقسیمات دانشمندان معاصر از فریقین مانند شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، دکتر محمصانی، دکتر وهبه زحیلی و مصطفی زرقا و طرح آنان در تقسیم مباحث فقهی آمده است. در ادامه این بحث با ارائه تقسیمی در مباحث فقه، نظر دانشمندان فریقین نیز ذکر شده است:

- برخی امور و وظیفه حکومت هاست؛ مانند تشکیل بیت المال و خزانه کشور، قضاوت، اجرای احکام قصاص، دیات، جبران جنایات، مجازات متجاوزان به اموال، نفوس، اعراض و احکام محارب و مفسد.

- در برخی امور دیگر، قسمتی از وظیفه بر عهده عموم مسلمین است و قسمتی دیگر فقط در دست حکومت است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر که گاه برای برچیدن منکرات و انجام وظایف ضروری فقط باید حکومت اقدام کند.

- پاره‌ای از امور هستند که گرچه ظاهراً حکومت وظیفه‌ای در برابرشان ندارد، ولی بدون نظارت و پشتوانه آن قابل اجرا نیست مانند، نکاح، طلاق، نفقات، اولاد و مهور، تعلیم و تربیت، معاملات و روابط اقتصادی مردم و ...

- اموری که مسئول خاصی در جامعه ندارد و طبعاً بر عهده سازمان‌هایی است که وابسته به حکومت اند؛ مانند تأمین امنیت داخلی، حفظ اموال و نفوس مردم، نظارت بر امور ایتمام و رعیت و قُصْر و نظم خیابان‌ها و بازارها و ...

- امور عبادی مانند نماز، روزه، حج و ... نیز برای اجرای صحیح، نظارت یا حمایت حکومت را می‌طلبد.

- اموری دیگر وجود دارند که مربوط به روابط مسلمین با غیر مسلمین است؛ مانند احکام ذمه، معاهدات و تجارتات با غیر مسلمین و ...

فصل هیجدهم: احکام امضائی و تأسیسی و عرفی شدن احکام

در این فصل، ابتدا تعریف حکم امضایی و تأسیسی بیان شده و تفصیل آن در سه مبحث ادامه یافته است:

(۱) نحوه امضای شارع، (۲) احکام امضایی و عرفی شدن احکام، (۳) ادعای بی نیازی از احکام شرعی.

نحوه امضای شارع:

«حکم تأسیسی» حکمی است که شارع مقدس آن را در باره موضوع معینی ابداع کند و «حکم امضایی» مقررات، آداب و رسوم و قراردادهایی است که در جامعه وجود داشته و شارع همان را بی کم و کاست یا غالباً با افزودن شرایط امضاء کرده است. بسیاری از فقها و اصولیان معاصر^{۲۳} تصریح می کنند که امضای شارع دو گونه است: یا شارع صریحاً آن را می پذیرد، مانند «احلّ الله البيع» یا با سکوت خود آن را امضا می کند؛ مانند: سکوت کردن در مقابل اعتماد عرفی بر خبر واحد.

در پایان نتیجه گیری شده که معنای احکام امضایی، عرفی شدن احکام نیست، تا هرچه در میان عقلای اهل عرف رایج شود، از نظر اسلام مورد قبول باشد، بلکه همه آنها به یکی از دو طریق فوق باید به امضای شارع مقدس برسد.

فصل نوزدهم: منابع تشریح در ادیان دیگر

در این فصل به این نکته مهم اشاره شده که اهمیت فقه اسلامی و آموزه های قرآن و سنت نبوی و مکتب اهل بیت (ع) و گستردگی آنها هنگامی روشن می گردد که با شرایع موجود مقایسه شود.

بحث در دو حوزه اصلی منابع شریعت مسیحی و منابع شریعت یهود، به تفصیل ادامه می یابد. عناوین این مباحث عبارت اند از:

۲۳. ر. ک: امام خمینی، انوار الهدایه، ص ۲۰۴.

منابع شریعت مسیحی:

۱. رسالت حضرت عیسی مسیح، ۲. تقابل شریعت و طریقت در آیین مسیح
۳. نسخ شریعت تورات در مسیحیت، ۴. شریعت مسیحی، ۵. منابع تشریح در مسیحیت کاتولیک: الف) اربابان کلیسا، ب) فرمان روایان و حکام.
۶. واژه نامه

۱. ادوار شریعت یهود: الف) دوره کتاب مقدس، ب) دوره سوفریم (کاتبان)، ج) دوره زوگوت (جفت ها)، د) دوره تنائیم (معلمان)، ه) دوره آمورائیم (شارحان)، و) دوره ساوورائیم (حکما)، ز) دوره گائونیم (نوابغ)، ح) دوره ریشونیم (مراجع نخستین یا متقدمان)، ط) دوره آخرونیم (متاخران)، ی) دوره لغو استقلال قضایی یهود تا عصر حاضر.

۲. منابع شریعت یهود: الف) منابع مکتوب: تورات، میشنا و تلمود، بارآتا. ب) منابع قانونی استنباط شریعت یهود: قبالا (سنت)، ۲) میدراش (تفسیر)، تقانا و گزرا (قانون گذاری و حکم)، مینهاگ (عرف)، معسه (عمل و رویه)، سوارا (عقل)، ۳. واژه نامه.

منابع مکتوب شریعت یهود:

منظور از منابع مکتوب شریعت، منابع و مخازن معتبر مکتوبی است که قوانین و احکام شرعی در آنها مدون شده است:

الف) تورات: کتاب مقدس عبرانی است که منبع حجیت و اعتبار کل نظام شرعی و حقوقی یهود است. در کتاب دائرة المعارف فقه مقارن، این موضوع از دو بعد مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است:

۱. اسفار تورات که شامل: سفر پیدایش (تکوین)، خروج، لاویان، اعداد و

تثنیه است.

۲. تورات و قانون نامه‌های معاصر آن. در این بحث به مقایسه نظام‌های حقوقی هم عصر با تورات، یعنی ۱۳۰۰ ق م پرداخته شده و با نام بردن قوانین مختلف آن عصر، نظریه متأثر بودن تورات از قانون حمورابی (که شامل ۲۸۲ ماده است)، مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

ب) میشنا و تلمود: به اعتقاد یهودیان تورات دیگری که میشنا نام دارد نیز بر موسی وحی شده که همواره به شکل نانوشته در کنار تورات مکتوب، وجود داشته و دارای همان ارزش و اعتبار است که بعدها گردآوری شده و شامل شش بخش به نام سیدراست: ۱. زراعیم (بذرها)، ۲. موعدها (عیدها، ایام معین)، ۳. ناشیم (زنان)، ۴. نزیقین (آسیب‌ها و خسارت‌ها)، ۵. قداشیم (مقدسات)، ۶. طهاروت (طهارت‌ها).

پس از تکمیل میشنا، دانشمندان یهودی به تفسیر آن همت گماشتند و آن تفسیر «گمارا» نام گرفت. برای میشنا دو «گمارا» نوشته شد: یکی فلسطینی یا اورشلمی، و دیگری بابلی که مفصل‌تر از اولی است.

از تلفیق میشنا و گمارا، مجموعه‌ای عظیم پدید آمد که «تلمود» به معنای تعلیم نام گرفت.

ج) باریتا: باریتا به مطالبی گفته می‌شود که در میشنا نیامده‌اند، اما آموزائیم (شارحان) آنها را در تلمود مطرح کرده‌اند. در میان باریتاها دو مجموعه اهمیت بیشتری دارد: «میدراش‌های هلا خایی» و «توسفتا». این منابع چون خارج از میشنا هستند و گاهی دیدگاهی مخالف میشنا دارند، اعتبار منابع رسمی را ندارند.

د) منابع مکتوب شریعت در دوران پس از تلمود: از بزرگ‌ترین منابع مکتوب شریعت یهودی در دوره پساتلمود، قانون نامه‌ها هستند که مؤلف محترم در اثر خود به هشت دوره از قانون نویسی و قانون نامه‌های مهم اشاره می‌کند.

فصل بیستم: مصادر تشریح و مبانی حقوقی در مکاتب حقوقی معاصر

این فصل گزارشی است نقادانه از تلاش‌هایی که بشر، بدون اتکا بر تعالیم دینی در طول قرون متمادی، برای تعیین مبانی واقعی حقوق پی‌ریزی یک نظام اجتماعی، انجام داده است؛ تلاش‌هایی که به رغم مواجهه با تناقضات متفاوت، همچنان به راه پر خطای خود ادامه می‌دهد.

در مقدمه آخرین فصل از این اثر ارزنده، توضیح منابع حقوقی اسلام و تفاوت مبانی و منابع حقوقی آمده است. در پاسخ به اینکه چه عواملی باعث الزام آور شدن قانونی خاص شده، مکاتب مختلفی مطرح شده‌اند که آنها را به دو دسته کلی مکتب «حقوق فطری یا طبیعی» و «مکتب تاریخی و تحقیقی» می‌توان تقسیم کرد. در تبیین این بحث، عناوین ذیل را می‌بینیم:

۱. مکتب حقوق فطری: الف) تحول حقوق فطری، ب) اصول و ویژگی‌های حقوق فطری، ج) نقد و بررسی مکتب حقوق فطری.
۲. مکتب‌های تاریخی و تحقیقی: الف) مکتب تاریخی، ب) مکتب‌های تجربی که شامل مکتب «سوداگرایی یا اصالت فایده» و مکتب «مصلحت‌گرایی یا پراگماتیسم» است. ج) نظریه اتحاد حقوق و دولت، د) مکتب‌های تحقیقی که شامل مکتب «تحقیقی اجتماعی» و مکتب «تحقیقی حقوقی یا حقوق وضعی» است.

مکتب تاریخی:

در این مبحث ابتدا به معرفی این مکتب و سپس به بررسی و نقد آن پرداخته می‌شود. از دیدگاه مکتب تاریخی، مبنای اصلی حقوق، اراده ملت است که در قالب عرف و عادت تحقق می‌یابد و امور دیگر، همچون نظریات علمای حقوق و رویه قضایی در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. قانون‌گذار نیز تا زمانی می‌تواند در وضع قانون و شکل‌گیری قواعد حقوقی دخالت کند که به عرفی بودن حقوق

لطمه ای وارد نسازد. ۲۴

مکتب تاریخی دارای نقایص ذیل است:

۱. نقش عقل و اختیار در پدید آمدن حقوق نادیده گرفته شده است.
۲. راه هرگونه حرکت اصلاحی و انقلابی در جامعه بسته شده است؛ چرا که مردم و قانون گذار طبق این نگاه، باید لزوماً دنباله رو تمایلات اجتماعی و لو منحط باشند.
۳. طبق این مکتب، اصالت، با مسئله نژاد و ملیت است که در طول تاریخ موجب انواع اختلافات و درگیری ها، میان ملل مختلف شده است. ۲۵

نقد و بررسی دایرة المعارف:

در پایان ضمن قدردانی از زحمات ارزشمند مؤلفان که به حق اثری مفید را به عالم اسلام اهدا کرده اند به پاره ای از اشکالات آن اشاره می کنیم:

۱. در برخی از مقالات، نقل قول ها با واسطه یا از منابع دست چندم بوده است؛ مانند: طرح مسئله قضایای حقیقی و اعتباری از علامه طباطبائی به نقل از مجموعه مقالات کنگره نراقی در (ص ۳۰۵)، ارجاع به کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» از شهید مطهری، در باره نظر علامه طباطبائی پیرامون قوانین ثابت و متغیر اسلام (ص ۲۷۲)، نقل قول از آیت الله العظمی بروجردی از مجله کیهان اندیشه (ص ۲۷۲).

۲. در صفحات ۲۲۰ و ۱۳۹، این ادعا که ابوحنیفه فقط هفده حدیث از احادیث نبوی را صحیح می دانسته، مطرح شده است، در حالی که فقهای حنفی آن را انکار می کنند.

۲۴. کلیات حقوق، ص ۶۱.

۲۵. درآمدی بر حقوق اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۵.

۳. در فصل برتری‌های فقه اسلامی، موارد برتری، به نحو استقرای ناقص بیان شده است؛ در حالی که برتری در مبنا، برتری در منابع، برتری در اهداف و غایات احکام اسلامی و... نیز از برتری‌های فقه اسلامی به شمار می‌روند. همچنین در این فصل گاه بین مفهوم فقه و مفهوم شریعت خلط شده است. (ص ۷۶).

۴. در صفحه ۴۲۵ از حکم شرعی به قراردادی از سوی خداوند تعبیر شده است و واضح است که حکم شرعی از سوی خداوند جعل می‌شود و قرار داد طرفینی میان خداوند و بشر نیست.

۵. با توجه به اینکه جلد اول از این اثر به مباحث مقدماتی فقه مقارن می‌پردازد، جای خالی مباحثی چون اصل فقه مقارن، تاریخچه آن، توضیح اصطلاحات و جایگاه آن در فقه اسلامی و... نیز احساس می‌شود.

۶. اولین نکته‌ای که در مورد قالب این اثر به ذهن خطور می‌کند، مراعات نشدن اصول دائرة المعارف نویسی است. عموم دائرة المعارف‌ها به ترتیب حروف الفبا هستند و معمولاً از کسی جانب داری یا نقد نمی‌شود و فقط به افکار و بحث‌ها پرداخته می‌شود. همچنین نقل قول در دائرة المعارف‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

۷. با توجه به اینکه این اثر در فقه مقارن است و چنان که در مقدمه آن گفته شده، یکی از اهداف آن تقریب بین مذاهب اسلامی است، بهتر بود دائرة المعارف نیز به زبان عربی نگارش یابد.

۸. در موارد متعددی عنوانی که در فهرست مطالب آمده با عنوان مندرج در متن کتاب تفاوت دارد.